

داستان باستان — ۲۰

برای نوجوانان ایران زمین

# آموزشی و پرورش باستان

دکتر فاروق صفی زاده

انتشارات مدحت

۱۳۹۰

|                     |                                                    |
|---------------------|----------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : صفی زاده، فاروق. ۱۳۴۶ -                          |
| عنوان و نام پدیدآور | : آموزش و پرورش باستان. فاروق صفی زاده.            |
| مشخصات نشر          | : تهران: مدحت، ۱۳۹۰.                               |
| مشخصات ظاهری        | : ۹۱ ص.                                            |
| فروست               | : داستان باستان: [ج. ۲۰].                          |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۲-۱۷-۱                                |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                             |
| یادداشت             | : بالای عنوان: برای نوجوانان ایران زمین            |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص. [۱۲۱] - ۱۲۶.                        |
| موضوع               | : تمدن ایرانی                                      |
| موضوع               | : آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام. |
| شناسه اثر ده        | : داستان باستان: [ج. ۲۰].                          |
| رده بندی کنگر       | : ۱۳۸۸ ج. ۲۰ - ۷۲۲ DSR ۱۴۲۲                        |
| رده بندی یوبی       | : ۹۵۵/۰۱                                           |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۱۷۲۶۷۸۹                                          |

## ایران شناسی - ۲۲



### انتشارات مدحت

دکتر فاروق صفی زاده

آموزش و پرورش باستان

طرح جلد: سعیده رزاق زاده

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۸۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه آرای:

علی اکبر حکم آبادی ۰۹۱۲۵۱۱۱۹۶۰

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۲-۱۶-۴

تهران، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۷۵۵

پست الکترونیک: E-mail: fatemehsamavati@yahoo.co.in

## فهرست

|    |                                                    |
|----|----------------------------------------------------|
| ۲۰ | اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان                |
| ۲۱ | سازمان آموزشی ایران باستان                         |
| ۲۱ | برنامه‌ی آموزشی در ایران باستان                    |
| ۲۳ | محدودیت‌های آموزش و پرورش در ایران باستان          |
| ۲۵ | آموزش و پرورش در عصر اشکانیان                      |
| ۲۷ | آموزش و پرورش در عصر ساسانیان                      |
| ۳۴ | آموزش کودکان و نوجوانان در آغاز تاریخ ایران        |
| ۳۵ | گفتار اول - خاستگاه اجتماعی - فرهنگی               |
| ۳۸ | گفتار دوم - گسترش فرهنگی و پای‌گیری نهادهای آموزشی |
| ۴۱ | گفتار سوم - مکانیسم نهادی                          |
| ۵۱ | دوران فترت و تداوم                                 |
| ۵۲ | گفتار اول - نظام آموزش و پرورش                     |
| ۵۹ | گفتار دوم - تحلیل اندرزنامه‌ها                     |
| ۶۰ | ۱. گزیده چند اندرزنامه                             |
| ۶۳ | اندرز دانا و مینو خرد                              |

|    |                                                      |
|----|------------------------------------------------------|
| ۶۴ | ۲. اندرز کودکانه .....                               |
| ۶۶ | پایانه .....                                         |
| ۷۰ | پی‌نوشت‌ها .....                                     |
| ۷۲ | آموزش و پرورش در ایران باستان بر بنیاد شاهنامه ..... |
| ۸۳ | کتابنامه .....                                       |

www.ketab.ir

## پیشگفتار

مدارک موجود درباره تمدن و فرهنگ مادها آن چنان اندک است که امکان اظهار نظر قطعی را درباره اوضاع فرهنگی مادها دشوار می سازد. در واقع راجع به معارف مادها اطلاعاتی در دست نمی باشد زیرا که نه سنگ نبشته ای از آنان تاکنون کشف شده است تا مدرک قرار داده شود و نه از یونانی ها و یا ملل دیگر در این زمینه اطلاعات جامعی به دست آمده است (بیژن، ص ۱۲۰). حتا تاکنون هیچ مدرک مستقیمی که دال بر آشنایی مادها با خط و کتابت باشد به دست نیامده است (دیاکونوف، ص ۲۲۹)؛ لیکن تا حدی تعلیم و تربیت اجتماعی مادها را می توان از کیفیت تعلیم و تربیت عصر هخامنشی حدس زد، زیرا که پارس ها در بادی امر از حیث تمدن و معارف در رتبه ای پایین تر از مادها قرار داشتند، لیکن هم نژاد و هم کیش و هم زبان آنان بودند و وقتی که پارسیان بر آنان سلطه یافتند تمدن آنان را نیز اخذ نمودند (با توجه به این که تمدن هخامنشی از تمامی تمدن های تابع از جمله تمدن ایلامی جهت رشد خویش استفاده نموده است).

به هر تقدیر مادها مطمئناً دارای خط و کتابت بودند و این خط احتمالاً مشابه همانی بوده است که امروزه خط باستانی پارسی خوانده می شود. زیرا این نکته مسلماً غیر محتمل است که پادشاهی بزرگ ماد فاقد خط و کتابت

بوده باشد و پارسیان واجد خط باشند (دیاکونوف، ص ۳۴۰).

البته شواهدی نیز بر اثبات این امر دلالت دارد زیرا با توجه به مطالب کتاب دانیال در این که مادها صاحب خط بوده‌اند و نوشته‌هایی به زبان مادی وجود داشته است جای تردید باقی نمی‌ماند (بیژن، ص ۱۲۴). حتا ظاهراً خواندن و نوشتن تا حدی در میان مردمان معمولی نیز مرسوم بوده است و فقط منحصر به مغ‌ها و روحانیان و اشراف نبوده است. زیرا بر طبق آن چه که از تواریخ بر می‌آید مردم عرایض خود را به شاه می‌نگاشته‌اند و شاه عرایض را می‌خواند و هر حکم را نوشته و به آنان بازپس می‌فرستاد. (هرودوت، ص ۶۰).

گذشته از این، نگاشته تاریخ ماد نظریه دیگری نیز ابراز میدارد: «... خط میخی پارسی باستانی با خط میخی بابلی و ایلامی تفاوت بسیار دارد و با این که احتمالاً با دیگر خطوط میخی آسیای مقدم منشأ مشترکی دارد ولی آن را نمی‌توان مستقیماً مأخوذ از آن‌ها شمرد. تعبیر کلام آن است که چند حلقه فاصل بر ما مجهول است و بیش‌تر گمان می‌رود که خط میخی ماد جزء این حلقه‌های فاصل و مجهول بوده است، به عبارتی پارسیان خط میخی را از مادها اخذ کردند...» (دیاکونوف، ص ۳۴۰).

جالب است که استرابون جغرافیادان دنیای باستان نیز اذعان میدارد که روش تعلیم و تربیت معروف پارس‌ها از مادها اقتباس گشته بود (بیژن، ص ۱۲۷). از سوی دیگر ذکر وجود کتاب «تاریخ شاهان ماد و پارس» در کتب مختلف نظیر کتاب استر، احتمال وجود ادبیات را در میان مادها نشان می‌دهد (بیژن، ص ۱۲۵).

مادها برای امور اداری و لشگری خویش مطمئناً دفاتری به مانند پارسیان

داشته‌اند لیکن واضح و مبرهن است که تشکیلات آنان بدان اندازه پیش‌رفته و پیچیده نبود که نیاز به گروهی انبوه از دبیران احساس گردد بنابراین به احتمال زیاد آموزش این فنون در انحصار مغان بود (سلطانزاده، ص ۱۲) که البته لازم به ذکر است شواهدی نیز مبنی بر وجود سازمان‌ها و دفاتری جهت اداره کارهای مربوط به امور مالی و حسابداری با توجه به پیشرفت و رونق اقتصاد مادیها به خصوص در زمینه زراعت و دامداری وجود دارد (حکمت، ۱۴۹).

علاوه بر این، بنا به نظر دیاکونوف تعالیم زرتشتی به وسیله کاهنان و مبلغان قبیله ماد که به مغان موسوم بودند اشاعه یافت و به عبارتی تعالیم مغان مورد پشتیبانی جدی شاهان ماد قرار گرفته بود و حتا تعالیم مزبور تا حدی عفاً به مردم تحمیل میشد (دیاکونوف، ص ۳۷۰). دیاکونوف را حتا اعتقاد بر این است که سرزمین ماد در قرون هفتم و هشتم پیش از میلاد از کانون‌هایی بوده که از آن جا مفهومات دینی و فلسفی انتشار یافته است (دیاکونوف، ص ۳۴۵). به هر حال آن چه که از کیفیات زندگی مادیها و با توجه به کمبود مدارک می‌توان استنباط نمود این است که آنان مطمئناً دارای ساختار و یا سازمان‌هایی جهت تعلیم و تربیت بوده‌اند. هر چند مشخص نمی‌باشد که چنین سازمان‌هایی دارای چه درجه‌ای از پیش‌رفت و توسعه تمدنی بوده‌اند. لیکن به احتمال قریب به یقین نسبت به همسایگان خویش در بین‌النهرین از حیث دانش و فرهنگ در مرحله بالاتری قرار داشتند.

آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان:

در باب آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان نیز کسی که تحقیق در این باب را مد نظر قرار می‌دهد با کمبود منابع مواجه می‌باشد، لیکن مدارک موجود مرتبط با این دوران در مقایسه با عصر حکومت مادیها بسیار بیشتر

است که دست محقق را در نیل به هدف خویش اندکی بازتر می‌نماید. اسناد و مدارکی به سان نوشته‌های مورخان اروپایی آن روزگاران، کتیبه‌ها و الواح به جای مانده از آن دوران و غیره. هم‌چنین، نگاهی به فهرست تشکیلات و سازمان‌ها در این عصر مؤید این می‌باشد که آموزش کشوری مطمئناً مورد توجه و عنایت بوده است و البته اداره‌ی تشکیلاتی بدین عظمت یقیناً بدون تعلیم و تعلم امکان‌پذیر نبوده است.

آن گونه که بر می‌آید در عصر هخامنشی مکان‌هایی برای آموزش کودکان و اطفال «ایر بوده است. به عنوان نمونه‌ی گزنوفون یونانی در «کوروش‌نامه» خویش در این باب می‌گوید: «اطفال به مکتب می‌رفتند تا ادب بیاموزند و رؤسا و مراقبان‌شان اکثر اوقات روز مراقب حال آنان بودند و قضاوت و عدالت را میان آن‌ها مجری می‌داشتند» (گزنوفون، ص ۶).

جالب آن است که بنا به ادعای گزنوفون تا حدود شانزده یا هفده سالگی کودکان در این مکان آموزش‌های مختلف نظیر اعتدال مزاج، اطاعت، وظیفه شناسی، تیراندازی و پرتاب نیزه می‌آموختند (گزنوفون، ص ۷). از سوی دیگر، هرودوت که به پدر تاریخ اشتها دارد اذعان می‌دارد که دوره تربیت کودکان در ایران بین پنج تا بیست و پنج سالگی است و سه کار مهم بدانان آموخته می‌شود: اسب سواری و تیراندازی و راستگویی (هردوت، ص ۷۵).

گزنوفون هم‌چنین مدعی است که در ایران محلی به نام الوترا (Eleuthera) وجود داشته که در آن اطفال بزرگان تربیت می‌یافتند (گزنوفون، ص ۵). گزنوفون در ضمن اذعان می‌دارد که اطفال ایرانی پس از این که به سن بلوغ می‌رسیدند، ده سال در اطراف بناهای دولتی به سر می‌بردند تا هم از بناهای دولتی حراست نمایند و هم به اعتدال مزاج عادت یابند (گزنوفون، ص ۵).



افلاطون نیز درباره تعلیم شاهزادگان هخامنشی بیان می‌دارد که شاهزادگان به محض تولد به خواجهگان و پرورشگران سپرده می‌شدند تا به بهترین شکل پرورده شوند و زمانی که کودک به هفت سالگی پای می‌نهاد سوارکاری و شکار به او آموخته می‌شد و در چهارده سالگی چهار نفر که به مربیان شاهانه موسوم بودند برای تعلیم و تربیت شاهزاده انتخاب می‌گشتند که یکی از آنان در دانایی برتر از دیگران بود و مسئولیت آموزش حکمت زرتشت و آیین کشورداری را عهده‌دار می‌شد و دومی که در دادورزی و عدالت شهره بود آیین راست‌گویی و درستکاری را به شاهزاده آموزش می‌داد و نفر سوم که پرهیزگارترین بوده به کودک آزادگی و پرهیزگاری می‌آموخت و نمی‌گذاشت که وی مغلوب و دستخوش شهوات گردد و بدو می‌آموخت که به راستی آزاده باشد و آموزگار چهارم نیز دلاوری و بی‌باکی را به شاهزاده می‌آموخت. (سلطانزاده، ص ۱۷؛ وکیلان، ص ۸۲).

جواب است که گزنوفون مدعی است که تمام افراد ایرانی مجاز به گسیل داشتن فرزندان خویش به مدارس بودند، لیکن شرطی را برای این امر قائل می‌گردد و اعزام اطفال به مدارس را فقط مختص کسانی می‌داند که محتاج یاری کودکان خویش در امر معیشت نبودند (گزنوفون، ص ۱۰).

آموزش عالی و تحصیلات عالیه را نیز در ایران باستان و با توجه به کمبود اسناد و مدارک عمدتاً با تأسیس دانشگاه گندی شاپور به عهد ساسانیان مرتبط می‌پندارند، لیکن با توجه به شواهد به جای مانده از آن ازمینه می‌توان اذعان نمود که تعلیم عالیه در عصر هخامنشی نیز وجود داشته است.

به عنوان نمونه، داریوش بزرگ در مصر، که ایالتی از ایالات ایران عهد زمامداری هخامنشیان محسوب می‌گشت، دستور احیای دانشکده پزشکی

شهر ساییس را صادر نمود و طبق فرمان او جوان‌های خانواده‌های برجسته ایرانی برای فراگرفتن فنون پزشکی به ساییس گسیل گشتند (بیژن، ص ۳۲۶؛ سلطان‌زاده، ص ۱۹؛ ضمیری، ص ۶۷).

از سوی دیگر، در عصر هخامنشی دانشکده‌های عالی و مهم در شهرهای بورسپه، میلت، ارخویی، ری، و بلخ جهت آموزش علم طب وجود داشت (حکمت، ۳۸۳؛ ضمیری، ص ۶۱).

هم‌چنین وجود کتابخانه‌های بزرگ در عصر هخامنشیان در نقاط مختلف قلمرو هخامنشیان نشان‌دهنده آموزش و پرورش سازمان‌یافته می‌باشد. از جمله کتابخانه‌های این عصر کتابخانه‌های استخر، کهندژ، شاه اردشیر، و شیپگان را می‌توان نام برد (حکمت، ص ۶۴).

حمایت شاهان هخامنشی از تحقیقات نجومی و علم هیأت نیز جالب توجه است و نشان‌دهنده اهمیت امر دانش آموزی در ایران عصر هخامنشی. داریوش کبیر منجم معروف کلدانی آن روزگاران «نبوری مننو» را تحت حمایت خویش قرار داد و او در سایه چنین حمایتی به کنجکاو‌ها و مطالعات نجومی خویش پرداخت. «کیدین نو» ذکر منجم شهیر کلدانی معاصر هخامنشیان نیز در سایه حمایت دولت شاهنشاهی ایران همان سلسله مطالعات را پی گرفت و ادامه داد (بیژن، ص ۳۳۲-۳۳۳).

گزارش‌های مورخان یونانی آن‌از منه به سان «کتزیاس» از وجود روزنامه‌ی رسمی در دربار هخامنشی حکایت می‌کند که نشانی دگر از پیشرفت دانش و اهمیت تعلیم و تربیت آن روزگار می‌باشد (ضمیری، ص ۲۱).

از سوی دیگر، اشارات هرودوت در جریان گردآوری تاریخ معروف خویش مبنی بر استفاده از آثار تاریخ‌نویسان ایرانی و هم‌چنین اشارات کتاب‌های عزرا و استر به کتاب «تاریخ شاهان ماد و پارس» را می‌توان دلیلی

دگر بر رواج تعلیم و تربیت برشمرد (بیژن، ص ۳۳۳).

گسیل داشتن هیأت‌های اکتشافی و علمی جهت اکتشافات دریایی و جغرافیایی از سوی داریوش و خشایارشا را نیز می‌توان از دگر نشانه‌های وجود آموزش و پرورش سازمان یافته در ایران هخامنشی فرض نمود (هردوت، ص ۲۱۸-۲۲۲).

شواهد بسیار دیگری نیز به طور غیر مستقیم بر پیشرفته بودن روند تعلیم و تربیت در عصر هخامنشیان دلالت دارد. از جمله می‌توان به موارد ذیل استناد نمود:

— حفر ترعه‌ی سوز بین رود نیل و دریای سرخ به روزگار حکومت داریوش کبیر (حکمت، ص ۴۴۳) و حفر کانال توسط دو سرمهندس ایرانی به نام‌های «بواروش» و «ارتاکنوش» به امر خشایارشا بر دماغه کوه اتوس در لشگرکشی به یونان به جهت عبور رزم ناوهای ایران (هردوت، ص ۳۶۳) نشان دهنده وجود مهندسانی کارآزموده و کواپلد می‌باشد که مطمئناً مهندسان کارآزموده فقط به ضرورت آموختن و تعلیم به وجود می‌آمدند.

— تأسیس دانشکده‌ای در سائیس مصر به فرمان داریوش بزرگ به جهت آموزش فنون کشورداری (بیژن، ص ۳۳۸).

— ایجاد جاده شاهی مشهور که از شوش تا سواحل دریای اژه امتداد داشت (هردوت، ص ۳۱۲).

— بحث و بررسی‌های هفت سردار بزرگ پارسی پس از بازپس‌گیری تاج و تخت از مغ غاصب (سمر دیس) در باب انواع حکومت و حنا صحبت آنان در مورد حکومت دموکراسی یا الیگارشی (هردوت، ص ۲۱۸-۲۲۲) یکی دیگر از دلایل آگاهی ایرانیان از علوم سیاسی و فلسفه و بالطبع تعلیم و تعلم آن

است.

— نحوه انتخاب و انتصاب قضات از میان افراد تعلیم دیده (سلطانزاده، ص ۱۸) را نیز می‌توان نشانی از توجه و آشنایی ایرانیان آن روزگاران با علم حقوق و آموزش آن دانست.

— الواح گلی کشف شده در خزانه تخت جمشید نیز ثابت کننده آشنایی ایرانیان با فرآیند آموزش و تعلیم می‌باشد. به عنوان نمونه در میان الواح گلی تخت جمشید سندی مالیاتی وجود دارد که حاوی بقایای مالیاتی بانویی است که قسمتی از مالیات خود را پرداخت نموده و به موجب این سند تنه آنرا داده و تسویه حساب گرفته است (حکمت، ص ۱۵۲). با توجه به این الواح به سهولت می‌توان دریافت که هخامنشیان در زمینه امور مالی و حساب‌داری، مراکز بایگانی داشته و کسانی که مامور نگهداری و بایگانی این اسناد بوده‌اند در این زمینه آموزش‌های لازم را کسب کرده بودند.

— وجود صنعت فرش و بافندگی را می‌توان دلیل قاطع دیگری بر وجود دانش‌های گیاه‌شناسی، رنگ‌شناسی، نقاشی و جتاکیمیا و دام‌پروری و دام‌پزشکی دانست. از نمونه‌های بارز این صنعت می‌توان به قطعه فرش مکشوف در پازیریک که مشتمل بر تصویر ملکه‌ها و بانوان ایران عهد هخامنشی است و هم اکنون در موزه ارمیتاژ لنینگراد روسیه نگه‌داری می‌شود اشاره داشت (حکمت، ص ۲۶۱-۲۶۴).

— وجود آثاری به مانند تخت جمشید و مکان‌های باستانی دیگر با آن همه محاسبات دقیق ریاضی و فنی و مهندسی دلیلی بر وجود دانش و آموزش معماری و هنر در عهد هخامنشیان است. با توجه به مطالب ذکر شده و علی‌رغم آن که کیفیت و روند آموزش و پرورش عصر هخامنشی کاملاً مشخص

نمی‌باشد، می‌توان به سهولت دریافت که علم و دانش و تعلیم و تعلم آن از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار بوده است.

### کتاب‌نامه

- بیژن، اسدالله: سیر تمدن و تربیت در ایران باستان؛ ابن سینا، ۱۳۵۰
- حکمت، علیرضا: آموزش و پرورش در ایران باستان؛ موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۰
- دیاکونوف، ا. ا.: تاریخ ماد؛ ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹
- ضمیری، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام؛ راهگشا، ۱۳۷۳
- وکیلان، منوچهر: تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران؛ دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۸
- هرودوت: تواریخ؛ ترجمه ی. ع. وحید مازندرانی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، بی‌تا.
- گزنفون: کوروش نامه؛ ترجمه رضا مشایخی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲